سرمقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. ظهور و بروز هر پدیده‌ای در دنیای فناوری، آثاری فرهنگی و فکری و عملی دارد که نمی‌توان نادیده گرفت. گاهی این آثار چنان ژرف است که حتّی اگر آن ساختهٔ دنیای صنعت را از زندگی برداریم، آثار آن از میان نمی‌رود، یعنی بازگشت به فضای فرهنگی قبل از پیدایش و رواج آن فرآورده دشوار می‌نماید.

۲. فناوری چاپ، نگارش و نشر را در تمام حوزه‌های معرفتی آسان کرد، البته همراه با آثاری فرهنگی ـ اخلاقی و اجتماعی که به تدریج در میان مردم پیش آمد و نهادینه شد.

پیش از این صنعت، کتاب به شیوهٔ استنساخ به دست دیگران می‌رسید. از سوی دیگر، در مدارس و مراکز آموزشی، کتابی به دست فرد می‌رسید که آن را نزد استاد خوانده و از او درس گرفته باشد، با تسلّط بر نکات و زوایای آن. کاغذ به شیوهٔ دست‌ساز تهیّه می‌شد، تأمین هزینهٔ استنساخ، از عهدهٔ هر کسی ساخته نبود، به‌علاوه تهیهٔ نسخه از کتاب، به زمان نیاز داشت. مهم‌تر اینکه کتابی که نسخهٔ آن بدون درس گرفتن به دست می‌آید، ارزش علمی در نظر عالمان نداشت، و در اصطلاح آنان «وجاده» نام می‌گرفت، در حالی‌که آنچه با تعلّم نزد استاد به دست می‌آمد، «اجازه» نام داشت.

۳. بدین‌سان، «اجازه» سبب تداوم سنّت علمی به شیوهٔ تعلیم و تعلّم دقیق و عمیق بود که با آرامش، حوصله و ژرف‌نگری همراه بود. بدین روی، مبحث اجازه در تمام علوم ـ به ویژه علم حدیث ـ اهمیت زیادی دارد که در جای خود باید بحث

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

شود. اصرار بزرگانی همچون محدث نوری، شیخ آقابزرگ تهرانی و آیت الله مرعشی برگرفتن و دادن اجازه، مقوله‌ای مهم است که باید با توجّه به عوامل مختلف در مورد آن تحقیق شود و این گفتار مختصر را مجال آن نیست.

۴. ظهور صنعت چاپ، آرامش و ژرف‌نگری در دانش را از اهل دانش و پژوهش گرفت. در عوض شتاب‌زدگی، سطحی‌نگری و روی آوردن به «دانستنیهای زود بازده» را به آنان ارزانی داشت. کثرت مراکز آموزشی و پژوهشی وگسترش امکانات عرضهٔ یافته‌ها برای دانش آموختگان، غثّ و سمین را در هم آمیخت. هرچه زمان گذشت، این کثرتها، فرصت را بر تفکّر و ارزیابی دقیق و علمی بیشتر می‌بست.

انقلاب ارتباطات ـ اطلاعات در دنیا، این پیامدها را بیشتر گسترش داد. امروز در آیینهٔ رایانه‌ها و شبکه‌ها، صدها مطلب را می‌توان دید که هر دقیقه بر تولید آنها افزوده می‌شود، بدون اینکه از صافیِ ارزیابیها و داوریهای عالمانه گذشته باشد.

۵. ارزش اجازه در تولید و نشر علم، که از روزگاران کهن مطرح بود، در دنیای اطلاعات ـ محور فعلی بیش از پیش جایگاه خود را نشان داد.

اکنون عموم صاحب نظران بر آن‌اند که ارزیابیهای فعلی نسبت به دقت نظرهای ادوار پیشین، بسیار شتاب‌زده است و باید ژرف‌نگریهای گذشتگان احیا شود تا کمیت‌نگری جای خود را به کیفیت محوری بدهد. این ضرورت در تمام حوزه‌ها ضروری است، ولی در علوم حدیث بسیار ضروری‌تر.

۶. این فرآیند چگونه تحقّق می‌یابد؟ پرسشی است که صاحب نظران باید با دقّت و حوصله در آن بیندیشند، به گونه‌ای که بتوان به آمیزه‌ای دست یافت، از ژرف‌نگری پیشینیان از یک سوی، و بهره‌گیری از دستاوردهای فناوری اطلاعات از سوی دیگر. طبعاً مقدمهٔ واجب آن، شناخت هر دو فضا و ملزومات آن است و این، خود به کاری جمعی نیاز دارد که مقدّم بر گسترش کمّی دانشجویان و مراکز است.

۷. در این فرصت، فقط به یکی از نتایج اجازات پیشین نظری می‌افکنیم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

در آن روزگاران، دانش فقط از معبر تدریس و تربیت می‌گذشت و نه خواندنهای عجولانه و بی‌برنامه و دور از هدف. بدین‌روی، مدرّسان و مربیان در هر فرصتی در زمینهٔ اخلاق به طور عامّ و اخلاق علمی به طور خاصّ تذکّرهایی به دانش‌پژوهان می‌دادند. این تنبیه‌ها،گاه در ضمن متن مکتوب اجازه ثبت می‌شد و به آیندگان می‌رسید. به برکت این اهتمام آنان، امروز در لابه‌لای متون اجازات، به نکات مهمّی در باب اخلاق علمی دست یافته‌ایم که می‌تواند ما را در تدوین «منشور اخلاق علمی» کمک رساند.

۸. هر یک از این جملات، حاصل عمرِ پژوهشگری دردآشنا است که جانش در راه تعلیم و تعلّم مواریثِ گران‌سنگ اهل بیت علیهم‌السلام سوخته و تجربه‌هایی اندوخته است. آنگاه این گنج بی‌بها، بدون رنج ما، به دستمان رسیده است. به چند بند از این توصیه‌ها نظری می‌افکنیم، مبتنی بر نصوص اجازات که در دفترهای ۲۲گانهٔ میراث حدیث شیعه[1] انتشار یافته است.

۱) تقوا و استواری در نقل حدیث، و دقّت در روایت را رعایت کنید.

۲) متون و اسانید را با دقّت در نظر گیرید.

۳) از مطالب غلط و چاله‌های کسانی که با توسّع در باب احادیث سخن می‌گویند، خود را باز دارید.

۴) از تحریفها و توجیهاتی که حقایق نورانی را آلوده می‌سازد وکرامت مذهب را خدشه‌دار می‌کند، بر حذر باشید.[2]

۵) احادیثی را که روایت می‌کنید، بکوشید تا به مضمون آنها عمل کنید.

۶) زمانی بر اساس این احادیث، فتوا و نظر بدهید که مطمئن باشید:

۱. مجموعه میراث حدیث شیعه، مجموعه‌ای از مقالات و رسائل در حوزهٔ علم‌الحدیث و علوم وابسته به آن است که ۲۲ دفتر آن را دارالحدیث انتشار داده است.

۲. بند ۱ تا ۴، از اجازهٔ میرزا محمّدعلی اردوباری به سیّد محمّدکاظم جزائری، سال ۱۳۵۸ قمری، میراث حدیث شیعه، ج ۲۰، ص ۵۰۱.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

اولاً ـ احتیاط کامل را در فهم حدیث به کار برده‌اید.

ثانیاً ـ فقط به دلالتهای آشکار و واضح اعتماد کنید، که قلب بدان اطمینان یابد و علم از آن به دست آید.

ثالثاً ـ در هنگام تعارض، بر اساس عوامل مرجّح که از اهل بیت علیهم‌السلام رسیده، به ترجیح روی آورید.

رابعاً ـ در هنگام اشکال و امکان احتمال، توقف و احتیاط کنید.

خامساً ـ حدیث را به آنچه دلیل بر آن اقامه نشده و در نصّ صریح نرسیده ـ گرچه مشهور باشد ـ تعویل نکنید، زیرا بسا مشهور که اصلی ندارد، خصوصاً آنچه اصل آن از علمای تسنّن است که با شیوهٔ امامان علیهم‌السلام مخالفت دارد.[1]

۷) همواره از خدای سبحان پروا دارید و او را مراقب خود بدانید.

۸) احتیاط تامّ در تمام امور، به ویژه فتوا، زیرا مفتی بر پرتگاه دوزخ است.

۹) علم را به اهلش برسانید.

۱۰) تمام توان خود را برای تحصیل و تحقیق علم به کار گیرید.

۱۱) اخلاص برای خدای تعالی، هم در کسب علم و هم در تعلیم به دیگران.[2]

۱۲) دوری از آنچه خشم الهی را برانگیزد، بدون خودنمایی یا جدال یا لجاجت.[3]

۱۳) تتبّع کامل قبل از استنباط یک حکم، که قبل از جمع کامل و بررسی دقیق ادلّهٔ خاصّ هر مطلب، به سرعت و بر اساس مقتضای اصول و قواعد و عمومات، حکم صادر نکنید. حتّی در مقام جمع ادلّه به روایات آن باب اکتفا نکنید، بلکه ـ به

۱. بند ۵ و ۶ از اجازهٔ شیخ حرّ عاملی به شیخ بحرانی (شارح وسائل الشیعه)، سال ۱۰۸۶، میراث حدیث شیعه، ج ۱۲، ص ۴۱۵.

۲. بند ۷ تا ۱۱، از اجازهٔ ملا احمد نراقی به ملا علی آرانی، سال ۱۲۱۷، میراث حدیث شیعه، ج ۸، ص ۴۵۰.

۳. از چندین اجازهٔ علامه مجلسی، در سالهای ۱۰۸۷ و ۱۰۹۵ و ۱۱۰۲، میراث حدیث شیعه، ج ۴، ص ۵۳۸ و ۵۴۸ و ۵۵۶.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

گفتهٔ صاحب جواهر ـ گاهی حکمی از احکام باب طهارات، با ملاحظهٔ روایات باب حدود و قصاص و دیات، روشن می‌شود.[1]

۱۴) نسبت به نظر خود ـ گرچه استوار باشد ـ استبداد رأی نداشته باشید.

۱۵) به مخالفت بزرگان فخر نفروشید، گرچه پندارید که نظر آنها ناتمام و نارسا است، بلکه برای تکمیل مطالب ناتمام بکوشید.

۱۶) از لذّت‌جویی نفس حیوانی خود را ارتقا بدهید تا اوج تشبّه به ملائک، بدان امید که به جایگاه والا برسید.[2]

۱۷) جسارت و بدگویی به دانشمندان را رها کنید.

۱۸) به فهم آنها اکتفا نکنید.

۱۹) همواره مراقب نفس امّاره باشید.[3]

۲۰) بدون ژرف‌نگری و تلاش کامل برای دستیابی به حکم دقیق، فتوا به احتیاط ندهید.[4]

۹. آنچه آمد، قطره‌ای بود از دریای توصیه‌های بزرگان، که پشتوانه‌ای استوار از عمل خالصانه داشت. یعنی کلامی بود که از دل بر می‌خواست و بر دل می‌نشست و به نسلهای بعدی می‌رسید. بدین‌سان، در فضایی معنوی، با کمترین امکانات ـ که آن فقر امکاناتی امروزه برای ما قابل تصوّر نیست ـ پژوهشهایی بلند سامان می‌یافت. تواضع، احتیاط، ادب، متانت و اخلاص بر جبین آن یافته‌ها و دستاوردها دیده می‌شد.

باید بکوشیم آن ارزشهای اخلاقی را در پژوهشهای فعلی علم‌الحدیث، نه در

۱. از اجازهٔ شیخ جعفر شوشتری به میرزا جعفر طباطبائی حائری، سال ۱۲۹۱، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۴۳۶.

۲. از اجازهٔ سیّد علی صاحب ریاض به ملا محمّد قاسم نراقی، سال ۱۲۱۳، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۳۹۳.

۳. بند ۱۷ تا ۱۹، از اجازهٔ ملا محمّد حسن قزوینی به ملا محمّد قاسم نراقی، سال ۱۲۱۳، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۳۹۹.

۴. از اجازهٔ سیّد حسن صدر به شیخ محمّد امین خویی، سال ۱۳۳۶، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۴۸۷.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

زبان و بیان، که در عمل احیا کنیم. فراموش نکنیم که لغزش عالِم، لغزش گروههایی از مردمان را در پی دارد، تا آنجا که گاه، از مرز زمان و مکان می‌گذرد و به آفاق دیگر و نسلهای آینده زیانهایی می‌رساند جبران‌ناپذیر و بنیان سوز.

۱۰. علوم وابسته به حدیث، میراث گران‌قدری است که از بزرگ مردانی کم‌نظیر برای ما به یاگار مانده است، مردانی آسمانی همچون زراره، ابوبصیر، محمّدبن مسلم، ابن ابی عمیر، فضل بن شاذان، عبدالعظیم حسنی، و دهها تن دیگر که نه تنها از حرام، بلکه از شبهه و حتّی از حلال نیز گذشتند؛ خون دل خوردند و گام استوار در راه فشردند و این همه را برای جلب رضای امام زمانشان به کار گرفتند که رضای خالق متعال را در رضایت حجّت حیّ روزگار خود یافتند و این نکته، کیمیای سعادت آنها بود.

آنان این کیمیای سعادت را قدر دانستند و چنین شد که سرمایه‌ای بس متبرّک و نورانی به آیندگان رساندند. آیا این نسل، می‌خواهد مصداق آیهٔ شریفه باشد: «**فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات**»؛ یا وارثی قدرشناس و شاکر نعمت که خیانت در امانت نکند. اینان نیز ـ همچون آنان ـ باید کیمیای سعادت محبّت و اطاعت امام زمانشان را هدف والای خود بدانند و این کلام والای امام باقر صلوات الله علیه خطاب به جناب جابر جُعفی را نصب‌العین خود بدارند که فرمود:

«**ان الجاحد لصاحب الزمان کالجاحد لرسول الله في ایّامه**» (روضه کافی، حدیث ۴، صدر خطبة الوسیلة)

آیا عدم توجّه به حضرت بقیةالله ارواحنا فداه در شئون مختلف ـ به ویژه در پژوهشهای علمی ـ درجه‌ای نازل از «جحد» آن بزرگوار نیست؟

اعاذنا الله تعالی منها.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]